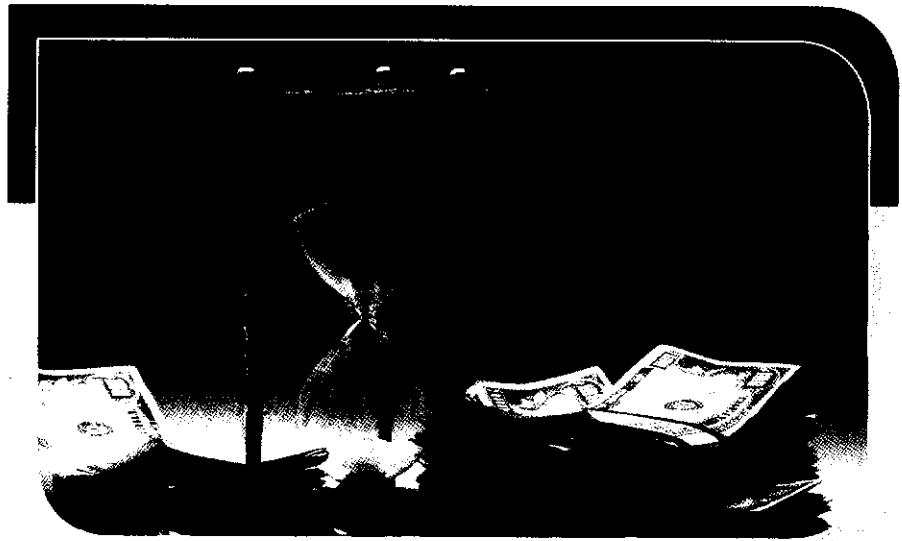


رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری

روند رشد اقتصادی در کشور حائمی از همبستگی معنی‌دار رشد تولید ناخالص داخلی با نوسانات درآمدهای نفتی است. چنانکه از جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود، طی سال‌های دفاع مقدس، با توجه به محدودیت صادرات نفت و تخریب زیرساخت‌ها، رشد اقتصادی به پایین‌ترین حد خود رسید. اما در برنامه اول توسعه، رشد درآمدهای نفتی همراه با استفاده از ظرفیت‌های خالی اقتصاد جهش مناسبی در رشد اقتصادی کشور ایجاد کرد. در برنامه دوم توسعه، بحران بدهی‌های ارزی در اوایل برنامه، همراه با کاهش تدریجی درآمد‌های حاصل از فروش و صادرات نفت، رشد سرمایه‌گذاری و ملاً رشد تولید ناخالص داخلی را محدود کرد.

در سال‌های برنامه سوم، شرایط کشور از ابعاد مختلف از ثبات بیشتری برخوردار گردید. افزایش قیمت نفت خام و به تبع آن افزایش درآمدهای ارزی کشور، ایجاد حساب ذخیره ارزی، طرح یکسان‌سازی نرخ ارز و بهبود وضعیت تراز پرداخت‌های کشور، جملگی، شرایط مناسبی را برای رشد اقتصادی فراهم ساخت و موفقیت نسبی این برنامه را رقم زد. در اولین سال برنامه چهارم توسعه و ۹ ماهه سال ۱۳۸۵، به رسم تداوم رشد درآمدهای نفتی، تحقق رشد تولید سرمایه‌گذاری هدف‌گذاری شده میسر نگردید. رشد تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۸۴ معادل ۵/۴ درصد و رشد این متغیر در سه‌ماهه اول، دوم و سوم سال ۱۳۸۵ نسبت به دوره‌های مشابه سال قبل به ترتیب ۵/۱، ۴/۷ و ۶/۲ درصد برآورد شده است. تهدیدهای منطقه‌ای و بین‌المللی به بهانه فعالیت‌های هسته‌ای کشور، ناامن شدن اوضاع منطقه‌ای و اعمال برخی محدودیت‌ها و تحریم‌ها از یک طرف و شرایط گذار برای استقرار دولت جدید و در نتیجه شفاف شدن سیاست‌ها و جهت‌گیری‌ها، از دلایل عدم تحقق اهداف تعیین شده برای سرمایه‌گذاری و رشد به‌شمار می‌روند.

بررسی روند رشد شاخص بهره‌وری عوامل تولید (TFP) و هم‌چنین بالا بودن شاخص (ICORY) که در جدول شماره ۲ منعکس است، گویای موانع دیگر در اقتصاد کشور در دسترسی به سطوح هدف‌گذاری شده برای رشد در برنامه‌های توسعه است. براساس جدول کمی برنامه چهارم توسعه - بخش هفتم، رشد بهره‌وری نیروی کار طی دهه ۷۰ معادل ۱/۳ درصد بوده است. این رشد برای سال‌های برنامه چهارم به میزان ۳/۵ درصد و برای کل عوامل تولید سالانه ۳/۵ درصد، به طور



بودجه نامتوازن و بهره‌وری پایین موانع عمده رشد اقتصاد ایران هستند

دوگانه همیشگی

مسعود کیومرثی

بهره‌وری پایین و مشکلات تخصیص منابع مالی بخش واقعی اقتصاد ایران از دلایل اصلی رشد پایین تولید ناخالص داخلی نسبت به سطوح هدف‌گذاری شده آن در برنامه چهارم توسعه است. افزایش بهره‌وری کل عوامل تولید با رشد متوسط سالانه به میزان ۲/۵ درصد از فرض‌های اساسی برنامه چهارم توسعه است. عملکرد اولین سال اجرای برنامه، رشد بهره‌وری عوامل تولید را معادل ۱/۶ درصد نشان می‌دهد. از بعد تامین مالی و تخصیص منابع مالی، کارایی پایین تبدیل پس‌انداز داخلی به سرمایه‌گذاری (به دلیل بازار مالی توسعه نیافته و سیاست‌های اداری حاکم)، هدایت منابع به سمت بخش تولید را با محدودیت مواجه ساخته است. دسترسی به منابع خارجی نیز به دلیل تحریم‌های اقتصادی و بحران‌های منطقه‌ای مشکل و هزینه بالایی دارد.

این شرایط سبب شده است که رشد سرمایه‌گذاری و نسبت تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به تولید، پایین و در سال ۱۳۸۴ به ترتیب به ۵/۸ و ۲۷/۶ درصد محدود گردد. از منظر بخشی، سرمایه‌گذاری ناکافی در فناوری و سرمایه انسانی باعث کارایی پایین واحدهای تولیدی و ملاً نرخ بازدهی پایین آن‌ها بوده است؛ به طوری که شاخص بهره‌وری عوامل تولید در سال ۱۳۸۴ برای بخش صنعت با ۱/۶ درصد کاهش به ۱۱۴/۸ واحد (۱۰۰=۱۳۷۶) رسید. به موارد مذکور باید ناطمینانی‌های ناشی از فضای تورمی و ریسک‌هایی را که بخش خصوصی در حوزه داخلی با آن‌ها مواجه است، را افزود.

در حوزه داخلی به نظر می‌رسد علاوه بر موارد بیان شده، پیامدهای بیماری هلندی نیز محدودیت‌های رشد را تشدید کرده است. وفور منابع طبیعی نفت و گاز و وابستگی بودجه دولت به درآمد حاصل از فروش آن‌ها از ویژگی‌های عمده اقتصاد ایران و عامل مسلط در روند فعالیت‌های اقتصادی است. ذخایر نفتی کشور معادل ۱۰ درصد کل ذخایر نفتی جهان برآورد می‌شود. از نظر گاز نیز ایران دومین ذخایر اثبات شده جهان را داراست. این ویژگی، هم فرصت و هم چالش است. جریان وجوه درآمدهای نفتی امکان سرمایه‌گذاری فیزیکی و انسانی بیشتر را فراهم می‌کند، اما همچون اغلب کشورهای غنی از نظر منابع طبیعی، این جریان، تحت تاثیر پیامدهای بیماری هلندی، عدم تعادل‌های فراوانی را در اقتصاد کشور نهادینه کرده است. در ادامه برخی از این نارسایی‌ها در بخش‌های واقعی، پولی، دولت و تجارت خارجی تبیین می‌شود.

جدول شماره ۱- رشد متغیرهای عمده کلان اقتصادی (۱)

درصد

تشکیل سرمایه ثابت ناخالص		پس انداز ناخالص ملی	درآمد نفت (دلاری)	تولید ناخالص داخلی	دوره مورد بررسی
بخش غیردولتی	بخش دولتی				
۲۰/۸	۱۴/۵	۲/۷	۲/۷	۶/۴	قبل از انقلاب (۱۳۵۳-۵۶)
۳/۷	-۰/۵	۱/۳	۴/۴	۲/۴	بعد از انقلاب (۱۳۵۷-۸۴)
-۲/۹	-۷/۲	-۶/۶	-۲/۳	۰/۲	سال‌های دفاع مقدس (۱۳۵۹-۶۷)
-۱/۲	۳۰/۹	۲۴/۲	۲/۵	۷/۸	برنامه اول توسعه (۱۳۶۸-۷۲)
۱۷/۸	۳/۵	۴/۳	۳/۱	۳/۳	برنامه دوم توسعه (۱۳۷۳-۷۸)
۱۳/۵	۵/۷	۶/۶	۱۰/۶	۵/۶	برنامه سوم توسعه (۱۳۷۹-۸۳)
۴/۰	۱۰/۲	۱۳/۹	۳۴/۴	۵/۴	سال ۱۳۸۴
۳/۰	۲/۰	۰/۷	۲/۸	۲/۵	کل دوره (۱۳۵۳-۸۴)

۱- به استثنای درآمد نفت، سایر محاسبات براساس قیمت‌های ثابت سال ۱۳۷۶ است. ماخذ: حساب‌های ملی ایران - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (www.cbi.ir) و محاسبات نگارنده.

در برنامه سوم توسعه و اولین سال اجرای برنامه چهارم به ترتیب ۴/۵ و ۷/۱ درصد رشد را تجربه کرد. برآوردهای اولیه برای رشد بخش کشاورزی در سال ۱۳۸۵ حاکی از بالا بودن رشد آن نسبت به کل اقتصاد است. به نظر می‌رسد بخش کشاورزی با سرمایه‌گذاری بیشتر و مدیریت بهینه منابع و ساماندهی بخش تجاری آن می‌تواند فرصت‌های رشد بالاتری را در اختیار اقتصاد ملی قرار دهد. نارسایی‌های تجاری این بخش و سیاست‌های حمایتی غیرهدقمند، از جمله موانع رشد بخش کشاورزی به شمار می‌روند.

بخش صنعت، به‌رغم رشد بالایی که در برنامه چهارم توسعه (سالانه ۱۱/۲ درصد) برای آن پیش‌بینی شده است، عملکرد مساعدی ندارد. رشد ارزش افزوده بخش در سال اول برنامه چهارم ۷/۲ درصد بود. برآوردهای اولیه حاکی از رشد محدود این بخش در سال ۱۳۸۵ است. کارایی پایین عوامل تولید و فعالیت کارگاه‌های بزرگ زیر ظرفیت تولید موجب کاهش رشد شاخص بهره‌وری عوامل تولید این بخش شده است، به طوری که در سال ۱۳۸۴ این شاخص با ۰/۶ درصد کاهش مواجه بود. بر اساس نظرسنجی از مدیران و صاحبان کارگاه‌های بزرگ

تاثیر رشد بی‌رویه قیمت‌های معاملاتی مسکن از ۷/۱ درصد در سال ۱۳۵۳ به ۲۵/۵ درصد در سال ۱۳۸۴ افزایش یافته است. در مقابل، سهم خدمات مؤسسات مالی و پولی در همین سال‌ها از ۹/۱ به ۳/۴ درصد محدود گردیده است. همچنین خدمات عمومی شامل خدمات ارائه شده توسط دولت مرکزی، شهرداری‌ها و سازمان تامین اجتماعی طی این دوره از رشد نازل ۰/۲ درصد برخوردار بوده است. افزون بر این، مقایسه سهم بالای خدمات مستغلات با سهم محدود بخش ساختمان (مسکن) از GDP به‌روشنی گویای ترکیب نامطلوب بخش خدمات و رشد غیرمنطقی آن است.

بخش نفت تحت تاثیر تحریم‌ها و بحران‌های منطقه‌ای، سیاست قیمت‌گذاری نفت و فرآورده‌های نفتی در داخل کشور، انحصار بخش دولتی و عدم سرمایه‌گذاری کافی، در اغلب دوره‌ها با کاهش رشد و سهم مواجه بوده است. رشد این بخش در سال ۱۳۸۴ معادل ۰/۶ درصد بود. رشد بخش کشاورزی نیز عمدتاً تحت تاثیر نزولات جوی و ساختار سنتی بخش است؛ به طوری که طی برنامه دوم توسعه به دلیل پدیده خشکسالی بویژه در سال‌های آخر برنامه، رشد بخش به کمترین سطح خود رسید، اما

متوسط، پیش‌بینی شده است. عملکرد این شاخص (TFP) طی سال‌های برنامه‌های سوم، به استثنای سال ۱۳۸۱، پایین بوده و در سال ۱۳۸۴ (اولین سال اجرای برنامه چهارم) به ۰/۶ درصد محدود شده است.

مشاهده روند شاخص ICOR نیز حاکی از بهره‌وری پایین عوامل سرمایه و مدیریت غیربهینه عوامل تولید است. کاهش قیمت عامل سرمایه نسبت به نیروی کار به دلیل پایین بودن نرخ واقعی سود تسهیلات ریالی و ارزی از یک‌سو و رشد مستمر

دستمزدها از سوی دیگر، سبب شده است که نسبت K/L در نگاه‌های اقتصادی بدون استفاده بهینه از ظرفیت‌های تولید، افزایش یافته و ایجاد فرصت‌های جدید اشتغال را محدود کند.

همچنین طولانی شدن زمان اجرای پروژه‌ها و عدم تکمیل طرح‌های نیمه‌تمام این وضعیت را تشدید کرده است؛ رویکردی که ناسازگار با وضعیت فعلی اقتصاد کشور به لحاظ محدودیت منابع و نرخ بیکاری است.

بررسی ترکیب تولید ناخالص داخلی کشور از تغییر اساسی در سهم بخش‌های اقتصادی حکایت می‌کند (جدول شماره ۳). این تغییر عمدتاً ناشی از کاهش سهم بخش نفت به نفع بخش خدمات بوده است. سهم بخش نفت از ۴۰/۱ درصد در سال‌های قبل از انقلاب به ۲۷/۹ درصد در سال ۱۳۸۴ کاهش و در مقابل سهم بخش خدمات در همین دوره از ۳۷/۳ درصد به ۴۷/۳ درصد افزایش یافته است. افزایش سهم بخش خدمات در اقتصادهای توسعه یافته به عنوان تحولی مثبت دانسته می‌شود، اما در اقتصاد ایران، که رشد آن عمدتاً متکی به درآمدهای نفتی و ترکیب تولید ناخالص داخلی (GDP) نیز عمدتاً متأثر از بیماری هلندی است، نمی‌تواند به عنوان شاخصی از توسعه یافتگی در نظر گرفته شود.

بخش خدمات نیمی از GDP کشور را شامل می‌شود. بررسی ترکیب بخش خدمات نشان می‌دهد که سهم خدمات مستغلات و حرفه‌ای تحت

جدول شماره ۲- رشد شاخص بهره‌وری کل عوامل تولید (TFP) و نسبت سرمایه‌گذاری به تغییر GDP (ICOR)

شاخص		۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹
رشد بهره‌وری کل عوامل تولید- TFP (درصد)		۰/۶	۲/۰	۱/۹	۲/۷	-۰/۳	۱/۷
ICOR		۶/۷	۷/۳	۵/۰	۴/۳	۹/۱	۶/۰

ماخذ: برآوردهای اداره حساب‌های اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (گزارش‌های قابل انتشار داخلی).

جدول شماره ۳- نرخ رشد و سهم بخش‌های اقتصادی (۱)

درصد	دوره مورد بررسی										
	خدمات		ساختمان		صنعت و معدن		کشاورزی		نفت		
	رشد	سهم	رشد	سهم	رشد	سهم	رشد	سهم	رشد	سهم	
	۳۷/۳	۱۲/۱	۶/۱	۱۵/۸	۷/۵	۱۴/۱	۹/۵	۵/۶	۴۰/۱	-۲/۹	قبل از انقلاب (۵۶-۱۳۵۳)
	۵۰/۹	۲/۱	۵/۶	-۰/۳	۱۰/۸	۶/۲	۱۶/۵	۴/۳	۱۵/۴	-۰/۵	بعد از انقلاب (۸۴-۱۳۵۷)
	۵۱/۸	۳/۳	۷/۰	-۶/۶	۸/۱	۳/۷	۱۹/۶	۴/۴	۱۱/۱	۱۰/۱	سال‌های دفاع مقدس (۶۷-۱۳۵۹)
	۵۱/۳	۶/۴	۵/۰	۱۷/۶	۱۱/۹	۱۰/۱	۱۸/۶	۶/۹	۱۱/۱	۹/۴	برنامه اول توسعه (۷۲-۱۳۶۸)
	۵۱/۹	۴/۲	۴/۵	۳/۴	۱۳/۷	۸/۱	۱۶/۳	۱/۷	۱۴/۲	-۱/۹	برنامه دوم توسعه (۷۸-۱۳۷۴)
	۴۹/۹	۵/۱	۴/۸	۵/۰	۱۲/۷	۱۱/۴	۱۲/۷	۴/۵	۲۰/۷	۱/۸	برنامه سوم توسعه (۸۳-۱۳۷۹)
	۳۷/۳	۵/۶	۴/۱	۴/۴	۱۱/۳	۷/۲	۱۰/۴	۷/۱	۳۷/۹	۰/۶	سال ۱۳۸۴
	۴۹/۲	۳/۰	۵/۷	۲/۴	۱۰/۴	۶/۴	۱۵/۶	۴/۵	۱۸/۵	-۱/۸	کل دوره (۸۴-۱۳۵۳)
	۴۹/۴	۹/۰	۴/۹	۱۱/۹	۱۵/۲	۱۱/۲	۱۰/۹	۶/۵	۱۸/۸	۳/۰	متوسط برنامه چهارم (۸۸-۱۳۸۴)

۱- نرخ رشد به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۷۶ و سهم‌ها براساس قیمت‌های جاری محاسبه شده است. ماخذ: حساب‌های ملی ایران- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (www.cbi.ir) و محاسبات نگارنده.

و ساز همراه با افزایش مستمر هزینه‌های ساخت، از جمله محدودیت‌های بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در بخش مسکن ارزیابی می‌شود. رکود بخش مسکن که از سال ۱۳۹۲ آغاز شد تا نیمه اول سال ۱۳۸۵ ادامه یافت، از نیمه دوم سال گذشته سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در تهران بهبود نسبی نشان داد؛ به طوری که تعداد و سطح زیربنای طبقات ساختمان‌های شروع شده در این شهر به ترتیب ۳۱ و ۱۲/۹ درصد رشد نسبت به سال ۱۳۸۴ دارد. در سال ۱۳۸۵ آمار پروانه‌های ساختمانی صادر شده توسط شهرداری‌ها، به لحاظ تعداد و سطح کل زیربنای طبقات ساختمان‌ها، به ترتیب با ۱۵/۸ و ۱۳/۵ درصد افزایش به ۱۰۷/۴ هزار فقره و ۴۶/۶ میلیون مترمربع بالغ گردید. با این وجود کماکان شکاف عرضه و تقاضای مسکن در سطح بالایی ادامه دارد و رشد چشمگیر قیمت‌های معاملاتی مسکن مویب این روند است. بررسی‌های آماری وزارت مسکن و شهرسازی نشان می‌دهد که متوسط قیمت فروش یک مترمربع واحد مسکونی در تهران در سال ۱۳۸۳ معادل ۵/۸ میلیون ریال بود. این رقم در سال ۱۳۸۴ به ۶/۵ میلیون ریال افزایش یافت و در نیمه اول سال ۱۳۸۵ به ۷/۵ میلیون ریال بالغ گردید که بیانگر رشدی معادل ۲۰/۴ درصد نسبت به دوره مشابه سال ۱۳۸۴ است. اتکای تامین مالی بخش مسکن به منابع محدود سیستم بانکی و فقدان بازار ثانویه رهن، رشد این بخش را محدود کرده است. علاوه بر این اتکای تامین مالی اداره شهر و درآمد شهرداری‌ها به عوارض

ارزش افزوده بخش صنعت و معدن طی دوره برنامه سوم نسبت به سایر مقاطع در سطح بالاتری قرار داشت، اما سهم آن از تولید ناخالص داخلی همچنان کمتر از ۱۵ درصد بود. این در حالی است که سهم ارزش افزوده بخش صنعت در بیشتر کشورهای صنعتی جنوب شرقی آسیا فراتر از ۲۵ درصد تولید ملی است. خاطرنشان می‌شود طی سال‌های اخیر سرمایه‌گذاری‌های عمده‌ای در این بخش صورت گرفته است، به طوری که از سال ۱۳۷۹ تا پایان اسفندماه سال ۱۳۸۵ بالغ بر ۱۳ میلیارد و ۷۹۶ میلیون دلار از محل حساب ذخیره ارزی برای این بخش تسهیلات ارزی به تصویب رسیده و بیش از یک سوم آن تخصیص یافته است. لذا انتظار بر این است با رفع موانع و مدیریت بهینه عوامل تولید، نرخ‌های بالای رشد را برای این بخش شاهد باشیم.

بخش ساختمان کشور به استثنای برنامه اول توسعه، در سایر مقاطع دارای رشد بطنی بوده و سهم آن در تولید ناخالص داخلی کمتر از ۵ درصد است. رشد متوسط ارزش افزوده این بخش، که در برنامه سوم توسعه معادل ۵ درصد بود، در سال ۱۳۸۴ به ۴/۴ درصد رسید. انتظار می‌رود با توجه به رشد ساخت و سازها در نیمه دوم سال ۱۳۸۵ و پیش بینی ادامه آن در سال ۱۳۸۶ فعالیت بخش مسکن وارد سیکل رونق شود. بیش از ۶۵ درصد ارزش افزوده این بخش ناشی از فعالیت‌های بخش خصوصی در ساختمان و مسکن است. انحصار دولت بر عامل زمین و مقررات ناپایدار ساخت

صنعتی در شش ماهه اول سال ۱۳۸۵، ۱/۵ درصد از کارگاه‌ها کاهش تولید داشته‌اند. همچنین تنها ۵۶ درصد کارگاه‌های بزرگ بیش از ۶۰ درصد ظرفیت تولید می‌کردند. براساس آمار مقدماتی، شاخص تولید کارگاه‌های بزرگ صنعتی کشور (کارگاه‌های دارای ۱۰۰ نفر کارکن و بیشتر) در سال ۱۳۸۵ نسبت به ۱۳۸۴ دارای رشد محدود ۴/۸ درصد بود که گویای پایین‌ترین عملکرد در ۵ سال اخیر است. خاطرنشان می‌شود حدود ۶۵ درصد ارزش افزوده بخش صنعت ناشی از فعالیت کارگاه‌های بزرگ صنعتی است. از دیگر عوامل کاهش رشد ارزش افزوده این بخش افزایش هزینه تولید است. نسبت هزینه واسطه بخش به ارزش ستانده، از ۵۹/۲ درصد در سال ۱۳۷۹ به ۶۹/۵ درصد در سال ۱۳۸۳ افزایش یافته است (آمار در دسترس). بر این اساس چنین استنباط می‌شود که حفظ سطح تولید و افزایش آن صرفاً از طریق بکارگیری بیشتر عوامل تولید صورت می‌گیرد!

مشکلات تامین مالی بخش صنعت نیز از دیگر عوامل کندی رشد ارزش افزوده آن به شمار می‌روند. افت شاخص‌های بازار سرمایه و افزایش بدهی‌های معوقه واحدهای صنعتی به سیستم بانکی و همچنین محدودیت دسترسی به منابع خارجی همراه با مشکلات فروش و بازاریابی، تامین نیازهای مالی بنگاه‌ها را با مشکل مواجه کرده است. ضمناً وابستگی صنایع به واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای، به ویژه در سطح بنگاه‌های بزرگ صنعت، این مشکلات را تشدید کرده است.

جدول شماره ۴- نقدینگی برحسب عوامل تعیین کننده آن

درصد تغییر		مانده در پایان سال			
۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	
۳۹/۴	۳۴/۳	۱۲۸۴۱۹۹/۴	۹۳۱۰۱۹/۴	۶۸۵۸۶۷/۲	نقدینگی (میلیارد ریال)
۲۶/۸	۴۵/۹	۲۷۹۲۴۸/۴	۲۲۰۵۴۱/۴	۱۵۱۲۰۰/۰	پایه پولی (میلیارد ریال)
۹/۹	-۷/۹	۴/۵۹۱	۴/۱۷۶	۴/۵۲۶	ضریب فزاینده نقدینگی

۱- پایه پولی از بعد مصارف (شامل: اسکناس و مسکوک در دست اشخاص و نزد بانکها و سپرده بانکها و موسسات اعتباری) محاسبه شده است.

ماخذ: گزیده آمارهای اقتصادی www.cbi.ir و محاسبات نگارنده

و مالیات‌های بخش مسکن، هزینه ساخت و ساز را به میزان چشمگیری افزایش داده است. این عوامل، همراه با انحصار دولت بر عامل زمین، جملگی از عمده دلایل ظرفیت پایین تولید این بخش به شمار می‌روند. خاطر نشان می‌شود طی سال‌های ۸۲-۱۳۵۸ بالغ بر ۷۳۷ هزار هکتار زمین توسط وزارت مسکن و شهرسازی تملک شده است. طی همین مدت تنها ۳۸ هزار هکتار زمین مسکونی و ۴ هزار هکتار زمین غیرمسکونی واگذار گردید. مضاف بر این، متراژ بالای زمین‌های واگذاری (به طور متوسط ۲۲۳/۵ مترمربع) حاکی از توزیع نامناسب زمین و استفاده غیربینه از این عامل تولید است. ارزش یک مترمربع زمین در مناطق شهری طی سال‌های ۸۴-۱۳۵۷ به طور متوسط سالانه ۲۴/۲ درصد رشد داشت، در حالی که نرخ تورم طی دوره مزبور به طور متوسط سالانه ۱۹/۳ درصد بود.

تفوق و انحصار دولت و بنگاه‌های وابسته به دولت در اقتصاد، شرایطی را ایجاد کرده است که رشد سرمایه‌گذاری معطوف به توان، جهت‌گیری و مدیریت نهادهای مذکور شده است. سرمایه‌گذاری دولتی عمدتاً تحت‌تأثیر نوسان درآمدهای نفتی است. رشد آن در برنامه اول سه بالاترین حد خود به میزان ۳۰/۹ درصد رسید حال آنکه در برنامه سوم توسعه معادل ۵/۷ درصد بود. بررسی روند سرمایه‌گذاری بخش خصوصی نشان می‌دهد رشد این متغیر در سال‌های جنگ و برنامه اول توسعه منفی بوده است، اما طی برنامه‌های دوم و سوم توسعه، رشد آن مثبت و به ترتیب از ۱۷/۸ و ۱۲/۵ درصد افزایش برخوردار شد. البته در سال ۱۳۸۴ رشد آن به ۴ درصد محدود گردید.

اگرچه طی برنامه سوم توسعه برخی رویکردهای اصلاحی، فضای بیشتری برای فعالیت بخش

جدول شماره ۵- سهم عوامل موثر در رشد نقدینگی

سهم عوامل		تغییر در مانده			مانده در پایان سال			
از رشد نقدینگی		۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳		
۱۳/۵	۱۳/۴	۱۲۴۴۳۳/۳	۹۲۰۰۷/۴	۴۲۲۱۶۷/۹	۲۹۱۷۳۴/۶	۲۰۶۳۳۷/۲	خالص دلاری‌های خارجی سیستم بانکی	
-۳/۵	-۱۰/۲	-۳۲۵۲۳/۸	-۷۰۲۳۷/۲	۳۵۴۱۷/۵	۶۷۹۴۰/۳	۱۳۸۱۶۷/۵	خالص بلهی بخش دولتی به سیستم بانکی	
۳۹/۲	۳۴/۹	۲۶۰۸۸۵/۶	۲۳۹۶۰۰/۵	۱۲۲۶۲۰/۱۰	۸۶۵۳۱۵/۴	۶۲۵۷۱۴/۹	بدهی بخش غیردولتی به سیستم بانکی (۱)	
-۹/۷	-۳/۸	-۸۹۶۱۶/۱	-۲۶۲۲۸/۵	-۴۰۰۵۸۷	-۳۱۰۹۷۰/۹	-۲۸۴۳۴۲/۴	خالص سایر	
۳۹/۴	۳۴/۳	۲۶۳۱۸۰/۰	۲۳۵۱۵۲/۲	۱۲۸۴۱۹۹/۴	۹۳۱۰۱۹/۴	۶۸۵۸۶۷/۲	نقدینگی	

۱- شامل سود و درآمدهای سال آتی می‌باشد.

ماخذ: گزیده آمارهای اقتصادی www.cbi.ir و محاسبات نگارنده

از ۱۸ درصد صادرات صنعتی در سال ۱۳۷۵ به ۵۵ درصد صادرات مذکور در سال ۱۳۸۳ افزایش یافته است. این امر از کندی رشد صادرات سایر تولیدات صادراتی مربوط به بخش خصوصی نشان دارد. این فرآیند با توجه به موقتی بودن و نوسان جریان درآمدهای نفتی سبب شد منابع به بخش غیرمبادله منتقل و سرمایه‌گذاری در بخش قابل مبادله- جایی که اغلب پیشرفت‌های فناوری و نوآوری‌ها در آنجا رخ می‌دهد- کاهش یابد.

رشد شدید قیمت‌های معاملاتی زمین و مسکن طی سال‌های اخیر و انتقال سرمایه‌ها به بازار طلا از دیگر نمودهای بارز بیماری هندی در اقتصاد ایران هستند. یادآور می‌گردد قیمت‌های طلا (قیمت سکه) در بازار داخلی طی دوره مورد بررسی (۸۴-۱۳۵۳) سالانه ۲۰/۸ درصد رشد داشته، در حالی که رشد قیمت جهانی طلا از سالانه ۳/۴ درصد فراتر نرفته است. مثبت بودن رشد قیمت طلا در بازار داخل در تمامی مقاطع زمانی، در حالی که در بیشتر سال‌ها قیمت‌های جهانی آن با کاهش مواجه بوده و همچنین انحراف معیار بالای آن، حاکی از عدم تأثیرپذیری قیمت‌های داخلی از بازار جهانی است.

خصوصی فراهم کرد، اما توقف و کند شدن اصلاحات مذکور و وابستگی بالای رشد اقتصادی کشور به درآمد نفت، کماکان از موانع اساسی اقبال بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری است.

پیامدهای بیماری هلندی از دیگر عوامل کاهش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در تولید کالاهای قابل مبادله داخلی در کشور به شمار می‌روند. ورود مستمر درآمدهای دلاری نفت و تخصیص معادل ریالی بخش عمده آن به مخارج بودجه‌ای دولت، از یک طرف، و عدم تعدیل متناسب نرخ برابری ارز با تورم داخلی و خارجی، از طرف دیگر، منجر به افزایش ارزش پول ملی گردیده است، به طوری که افزایش واردات و کاهش تولیدات صادراتی را می‌توان از پیامدهای بارز آن دانست. لازم به ذکر است گرچه صادرات غیرنفتی، به ویژه صادرات صنعتی، طی سال‌های اخیر از رشدی نسبتاً بالا حکایت می‌کند، اما این رشد عمدتاً ناشی از صادرات «مواد شیمیایی و پتروشیمی» و «آهن و فولاد» است که از سوی بنگاه‌های دولتی و وابسته به دولت صورت گرفته است. طی دهه اخیر سهم این دو گروه کالاها تغییر محسوسی داشته و در مجموع

جدول شماره ۶- نقدینگی بر حسب پول و شبه پول

این روند از یک طرف رشد

نقدینگی را موجب گردیده و از طرف دیگر به دلیل عدم تناسب با رشد تولیدات داخلی، موجبات عدم تعادل بین عرضه و تقاضای کل و افزایش مستمر قیمت‌ها (تورم) را فراهم کرده است.	درصد تغییر			مانده در پایان سال		پول	شبه پول	نقدینگی
	سهام (درصد)	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۴			
	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۳۱۷۹۱۹/۳	۲۵۲۸۱۵/۱	
	۲۲/۳	۲۴/۵	۳۰/۴	۲۵/۸	۲۱۴۵۳۳/۹	۶۰۳۱۰۰/۰	۳۳۳۰۵۲/۱	
	۶۷/۷	۶۵/۵	۲۴/۲	۳۹/۳	۸۶۹۶۵۴/۵	۹۲۱۰۱۹/۴	۶۸۵۸۶۷/۲	

همچنان‌که در جدول ۷ مشاهده می‌شود، از اولین شوک نفتی (۱۳۵۳) تا پایان سال ۱۳۸۵، پایه پولی و نقدینگی سالانه به طور متوسط به ترتیب ۲۳/۶ و ۲۵/۵ درصد رشد نموده است. رشد خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی ر خالص بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی نیز سالانه به ترتیب از ۲۲/۳ و ۱۸/۲ درصد بوده است. همچنین طی این دوره، سطح عمومی قیمت‌ها سالانه ۱۸/۸ درصد افزایش یافته است.

در این میان، دوره برنامه سوم، یک نقطه عطف به‌شمار می‌رود. در سال‌های برنامه سوم، رشد پایه پولی (۵۷/۱ درصد) و نرخ تورم (۵/۵ درصد) تقریباً به کمترین حد در دوره زمانی مورد مطالعه رسیدند. همچنین متوسط ضریب فزاینده و رشد آن طی سال‌های ۸۳-۱۳۷۹ به ترتیب ۲/۷ و ۱۱/۳ درصد بود که بالاترین سطح و میزان رشد را نسبت به سایر دوره‌ها نشان می‌دهد. ترکیب مذکور منجر به ۲۸/۸ درصد رشد نقدینگی گردید که در سال‌های پس از انقلاب، بالاترین است. به‌رغم این، رشد قیمت‌ها معادل ۵۰ درصد رشد نقدینگی بود که قابل توجه است.

در تبیین عملکرد برنامه سوم نقش اصلاحات صورت گرفته در بخش پولی و بانکی را نمی‌توان نادیده انگاشت. صدور مجوز فعالیت پنج بانک غیردولتی همراه با انعطاف‌پذیری در نرخ‌ها و افزایش اختیار بانک‌ها در اعطای تسهیلات خارج از تخصیص بخشی و همچنین انتشار اوراق مشارکت توسط بانک مرکزی از جمله اقداماتی بود که کمک اساسی به شکل‌گیری روندهای پولی نسبتاً مناسب طی برنامه سوم توسعه کرد. تداوم اصلاحات مزبور، با توجه به اقبالی که بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در بخش بانکی طی برنامه سوم نشان داد، آغاز خوبی برای توسعه و تعقیب بازار مالی کشور به شمار می‌رود.

اغلب نظریات اقتصادی بر این موضوع که توسعه مالی با افزایش عرضه خدمات مالی از عوامل مهم و تعیین‌کننده رشد اقتصادی است، اتفاق نظر دارند

به ماه مشابه سال قبل حاکی از تغییر محسوس روند این متغیر است. روند کاهشی نرخ تورم که از تیرماه ۱۳۸۴ شروع شده بود در تیرماه سال ۱۳۸۵ متوقف شد و شروع به افزایش کرد. روند افزایش نرخ مذکور از ۷/۵ درصد در فروردین‌ماه ۱۳۸۵ به ۱۶/۶ درصد در اسفندماه بالغ گردید. بخش عمده تغییرات این شاخص (حدود ۳/۴ درصد) مربوط به گروه اصلی «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات» بود. متوسط شاخص بهای «مسکن» نیز ۳۷/۸ درصد از تغییرات شاخص قیمت مصرف‌کننده را در سال ۱۳۸۵ به خود اختصاص داد.

بررسی ترکیب نقدینگی بخش خصوصی نشان می‌دهد طی سال مورد گزارش، سهم پول، کاهش و سهم شبه پول، در نقدینگی به ۶۷/۷ درصد افزایش یافته است. این روند آثار انبساطی ناشی از افزایش حجم نقدینگی را محدود می‌کند و البته مبین اعتماد بیشتر سپرده‌گذاران نسبت به آینده است. نسبت مزبور طی سال‌های برنامه سوم توسعه و سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ به ترتیب ۵۸/۶، ۶۵/۵ و ۶۷/۷ درصد بود. به نظر می‌رسد استفاده گسترده از چک‌های بانکی به جای اسکناس و مسکوک دلیل اصلی کاهش نسبت اسکناس و مسکوک در دست اشخاص به پول و نقدینگی است. ضمن آنکه هزینه بالایی که برای انتشار و ابطال این چک‌های بانکی متصور است و همچنین انباشت آنها با توجه به درجه نقدشوندگی بالای آن رویکرد مناسبی برای سیستم بانکی به شمار نمی‌رود.

روند رو به رشد حجم پایه پولی و نقدینگی طی سه دهه اخیر عمدتاً تحت‌تاثیر کسری بودجه ریالی دولت و کنترل جریانات مالی سیستم بانکی توسط دولت بود. آمار خالص بدهی دولت و بخش غیردولتی طی دوره مذکور نشان می‌دهد بخش خصوصی تامین‌کننده وجوه برای سیستم بانکی است و بخش دولتی با ایجاد بدهی در سطح وسیع مصرف‌کننده عمده آن بوده است. به دیگر سخن، سیستم بانکی، پس‌اندازهای مالی بخش خصوصی را برای تامین مالی بخش دولتی تجهیز کرده است.

بنابراین می‌توان استدلال کرد که روند قیمت طلا در داخل، بیشتر تحت‌تاثیر فضای تورمی و انتقال سرمایه‌ها به این بازار است.

تحولات بخش پولی

رشد متغیرهای عمده پولی در سال ۱۳۸۵ فراتر از اهداف تعیین شده بود. در این دوره، میزان نقدینگی با ۳۹/۴ درصد افزایش نسبت به پایان سال قبل به ۱۲۸۴/۲ هزار میلیارد ریال بالغ گردید. این در حالی است که براساس مصوبات برنامه چهارم توسعه، رشد متوسط سالانه نقدینگی ۲۰ درصد تعیین شده است.

بررسی علل افزایش نقدینگی نشان می‌دهد تغییر در خالص دارایی‌های خارجی سیستم بانکی و اعتبارات اعطایی به بخش غیردولتی کماکان از دلایل اصلی رشد نقدینگی است. در سال ۱۳۸۵، خالص دارایی‌های خارجی سیستم بانکی و تسهیلات اعطایی بانک‌ها به بخش غیردولتی به ترتیب ۱/۶ و ۱۱/۷ درصد افزایش داشت. در این سال، خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی با سهم فزاینده‌ای معادل ۳۹/۹ درصد تحت‌تاثیر مصارف ارزی بودجه دولت و برداشت از حساب ذخیره ارزی نقش عمده‌ای در انبساط پولی اخیر داشته است. بطور کلی تغییرات عرضه پول، ناشی از تغییرات در پایه پولی و ضریب فزاینده نقدینگی است. ضریب فزاینده نقدینگی از ۴/۱۷۶ در سال ۱۳۸۴ با ۹/۹ درصد افزایش به رقم ۴/۵۹۱ در سال ۱۳۸۵ رسید. مهم‌ترین علت افزایش ضریب فزاینده، کاهش ذخایر اضافی بانک‌ها طی مدت مزبور بود. این ذخایر عمدتاً در شکل سپرده‌های دیداری بانک‌ها نزد بانک مرکزی است.

نرخ رشد پول، نقش موثری در تعیین سطح قیمت‌ها دارد و حتی در کوتاه‌مدت منجر به تورم می‌شود. متوسط شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در سال منتهی به اسفندماه ۱۳۸۵ با ۱۳/۶ درصد افزایش فراتر از دوره متناظر سال قبل آن (۱۲/۱ درصد) بود. همچنین مقایسه نرخ رشد CPI در هر ماه نسبت

جدول شماره ۷- تحولات متغیرهای پولی طی سال‌های ۸۴-۱۳۵۳

تورم	رشد نقدینگی	متوسط ضریب فزاینده	رشد خالص بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی	رشد خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی	رشد پایه پولی	دوره زمانی
۱۷/۰	۳۷/۳	۲/۷	۴۰/۴	۱۷/۷	۳۳/۴	قبل از انقلاب (۵۶-۱۳۵۳)
۱۹/۳	۲۴/۳	۲/۵	۱۰/۳	۲۳/۸	۲۱/۳	بعد از انقلاب (۸۴-۱۳۵۷)
۱۹/۱	۱۶/۹	۱/۹	۲۶/۰	-۰/۹	۲۱/۶	دوران دفاع مقدس (۶۷-۱۳۵۹)
۱۹/۱	۲۶/۶	۲/۳	۱۸/۹	۵۷/۶	۱۵/۰	برنامه اول توسعه (۷۲-۱۳۶۸)
۱۹/۷	۲۲/۷	۲/۶	۱۱/۰	-۲۰/۲	۲۰/۲	برنامه دوم توسعه (۷۸-۱۳۷۴)
۱۴/۵	۲۸/۸	۳/۷	۱۲/۴	۱۲۱/۸	۱۵/۷	برنامه سوم توسعه (۸۳-۱۳۷۹)
۱۸/۸	۲۵/۵	۲/۶	۱۸/۲	۲۲/۳	۲۳/۶	کل دوره (۸۴-۱۳۵۳)

منبع: گزارش اقتصادی و ترازنامه سال‌های مختلف بانک مرکزی، خلاصه تحولات اقتصادی سال ۱۳۸۴ و محاسبات نگارنده

و تملک دارایی‌های مالی به ترتیب ۶۸/۲، ۲۹/۵ و ۲/۳ درصد از مصارف بودجه را شامل شدند.

بررسی عملکرد بودجه دولت نشان می‌دهد که درآمدهای عمومی دولت در سال ۱۳۸۵ به ۲۳۱/۱ هزار میلیارد ریال بالغ شد که در مقایسه با سال ۱۳۸۴ به میزان ۱۵/۳ درصد بیشتر است، اما نسبت به رقم مصوب، ۹۴/۵ درصد آن تحقق یافت (جدول ۸). بررسی ترکیب درآمدهای دولت گویای تغییر ترکیب آن نسبت به سال ۱۳۸۴ است، به طوری که سهم درآمدهای مالیاتی از ۶۷/۲ درصد کل درآمدها در سال مذکور به ۶۵/۶ درصد در سال ۱۳۸۵ کاهش یافته است. عمده موارد عدم تحقق درآمدهای عمومی دولت، ناشی از مالیات‌های غیرمستقیم به ویژه مالیات بر واردات بود (به استثناء حقوق ورودی خودرو).

در سال ۱۳۸۵، استفاده از موجودی حساب ذخیره ارزی (O.S.F.) به میزان ۱۴۲/۶ هزار میلیارد ریال بود که نسبت به سال قبل آن ۱۰۵/۵ درصد رشد و ۹۹/۶ درصد تحقق داشت.

طی این سال، پرداخت‌های هزینه‌ای دولت به ۴۱۵/۸ هزار میلیارد ریال رسید که بیانگر افزایش معادل ۲۵/۷ درصد بود و در مقایسه با رقم مصوب ۲ درصد مازاد تحقق داشت. در سال ۱۳۸۵ مجموع پرداخت‌های دولت بابت تملک دارایی‌های سرمایه‌ای ۱۴۵/۶ هزار میلیارد ریال بود، که در مقایسه با رقم مشابه سال گذشته آن ۲۳/۷ درصد افزایش و در مقایسه با رقم مصوب از ۸۲/۶ درصد تحقق برخوردار گردید. در مجموع تا پایان سال ۱۳۸۵، با توجه به فزونی کسری تراز عملیاتی نسبت به خالص واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای، مجموع تراز عملیاتی و سرمایه‌ای بودجه دولت ۱۴۷/۴ هزار

به طور مثبت با توسعه مالی ارتباط دارد. در صورتی که بازار مالی توسعه یابد، انتظار می‌رود سپرده‌های پس‌انداز از مانده حجم پول سریع‌تر افزایش یابند. بررسی نسبت مذکور در اقتصاد ایران حاکی از عدم تغییر محسوس آن به استثنای سال‌های برنامه سوم توسعه است. این نسبت طی برنامه‌های اول و دوم توسعه ۲/۱ بود، اما در برنامه سوم به رقم ۲/۴ افزایش یافت. بررسی نسبت شبه‌پول به نقدینگی نیز موید روند مزبور است. این نسبت، طی سال‌های برنامه سوم افزایش یافت و در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ به ترتیب به ۶۵/۵ و ۶۷/۷ درصد رسید که تا حدودی حاکی از افزایش اعتماد جامعه به سیستم بانکی و همچنین بازدهی مناسب سپرده‌ها نسبت به سایر شقوق سرمایه‌گذاری، با توجه به ریسک پایین آن است. در مجموع، رشد نقدینگی باید برای سیاستگذار پولی نگران‌کننده باشد زیرا عامل عمده افزایش قیمت‌هاست. از طرف دیگر، سرکوب مالی و عدم توسعه بازار مالی نیز شرایطی را سبب شده که به‌رغم رشد بالای نقدینگی و افزایش مانده تسهیلات اعطایی بانک‌ها به بخش غیردولتی، این بخش کماکان در دسترسی به منابع مالی با محدودیت مواجه است.

عملکرد بودجه دولت

طبق قانون بودجه سال ۱۳۸۵ (مصوب اصلاحی)، مجموع منابع (مصارف) بودجه عمومی دولت ۵۹۷/۷ هزار میلیارد ریال است. از مجموع منابع بودجه سهم درآمدها ۴۰/۹ درصد، سهم واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای ۳۰/۷ درصد، سهم واگذاری دارایی‌های مالی ۲۸/۴ درصد است. در این سال، پرداخت‌های هزینه‌ای، تملک دارایی‌های سرمایه‌ای

و بعضاً تعمیق مالی را از پیش شرط‌های رشد و توسعه اقتصادی معرفی می‌کنند. بررسی نسبت نقدینگی به تولید ناخالص داخلی در اقتصاد ایران، به عنوان شاخصی از تعمیق مالی که درجه پولی شدن اقتصاد را بیان می‌کند، وضعیت متفاوتی را با سایر کشورها نشان می‌دهد. این نسبت طی ده سال اخیر به طور متوسط حدود ۳۹ درصد بود، در حالی که نسبت مزبور برای کشورهایی مانند آمریکا، کره جنوبی، دانمارک، اندونزی و ترکیه به ترتیب ۶۸/۹، ۵۵/۳، ۵۱/۲، ۴۵/۹ درصد است. بنابراین ملاحظه می‌شود که این نسبت در ایران پایین‌تر است، اما محاسبه نسبت $M1$ به GDP، که برای کشورهای فوق‌الذکر به ترتیب ۱۳/۰، ۸۷/۷، ۳۱/۶ و ۱۱/۴ و ۶/۰ درصد است، برای ایران، در دوره مورد اشاره، ۱۷/۹ درصد است. بالا بودن نسبت اسکناس و مسکوک در دست اشخاص نسبت به پول و نقدینگی، که طی ۱۰ سال اخیر به طور متوسط به ترتیب ۱۸/۴ و ۸/۵ درصد بوده، از جمله دلایل این عملکرد است.

وضعیت مزبور گویای سستی بودن سیستم پرداخت‌های کشور و عدم استفاده از ابزارها و فناوری‌های جدید در سیستم بانکی و به طور کلی بازار مالی کشور است. اگرچه نسبت مورد اشاره طی سال‌های اخیر با توجه به استفاده گسترده از چک پسول در مبادلات مالی که در پایان اسفندماه ۱۳۸۴ به ۹/۰ درصد نقدینگی رسید، روند کاهشی دارد، اما پیامدهای منفی استفاده گسترده از چک‌های بانکی نیز داستان دیگری است!

از جمله شاخص‌های دیگری که برای تبیین ساختار سیستم مالی کشورها مورد توجه قرار می‌گیرد، نسبت نقدینگی به حجم پول $M2/M1$ است. این نسبت

جدول شماره ۸- ترکیب منابع و مصارف بودجه عمومی دولت در سال ۱۳۸۵

منابع	مصوب اصلاحی سال ۱۳۸۵		عملکرد سال		نسبت عملکرد به مصوب اصلاحی (درصد)
	مبلغ	سهم (درصد) از منابع (مصارف) بودجه	مبلغ	سهم (درصد)	
درآمدها	۲۴۴/۴	۴۰/۹	۲۳۱/۱	۴۰/۲	۹۴/۵
مالیاتی	۱۷۷/۶	۲۹/۷	۱۵۱/۶	۲۶/۴	۸۵/۴
سایر درآمدها	۶۶/۸	۱۱/۲	۷۹/۵	۱۳/۸	۱۱۹/۰
واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای	۱۸۳/۳	۳۰/۷	۱۸۲/۸	۳۱/۸	۹۹/۷
واگذاری دارایی‌های مالی	۱۷۰/۰	۲۸/۴	۱۶۱/۱	۲۸/۰	۹۴/۸
منابع (مصارف)	۵۹۷/۷	۱۰۰/۰	۵۷۵/۰	۱۰۰/۰	۹۶/۲
مصارف:					
پرداخت‌های هزینه‌ای	۴۰۷/۵	۶۸/۲	۴۱۵/۸	۷۲/۳	۱۰۲/۰
تملك دارایی‌های سرمایه‌ای	۱۷۶/۱	۲۹/۵	۱۴۵/۶	۲۵/۳	۸۲/۷
تملك دارایی‌های مالی	۱۴/۱	۲/۳	۱۳/۶	۲/۴	۹۶/۵

صادرات غیرنفتی را شامل می‌شود. رشد صادرات کالاهای صنعتی و سهم صادرات مواد شیمیایی و پتروشیمی از آن در پنج ماهه نخست سال ۱۳۸۵ به ترتیب ۹۲/۱ و ۵۶/۹ درصد است. ترکیب مذکور گویای اتکا صادرات غیرنفتی به منابع طبیعی و عمدتاً زیرزمینی است. به نظر می‌رسد ارتقای پایدار صادرات غیرنفتی از طریق افزایش سهم کالاهای صنعتی حاوی ارزش افزوده بالا و با هزینه منابع داخلی (۳) پایین می‌بایست از اولویت‌های تجاری کشور

باشد.

در بخش مبادلات مالی خارجی نیز کشور با چالش‌های اساسی مواجه است. بررسی روند مبادلات مذکور طی سال‌های ۸۴-۱۳۷۸ حاکی از بالا بودن سهم مبادلات تعهدی و بزارهای بدهی است؛ به طوری که سهم آن بیش از ۹۵ درصد است. کسری حساب سرمایه که از سال ۱۳۸۴ آغاز گردید، در پنج‌ماهه سال ۱۳۸۵ نیز ادامه یافت و به ۳ میلیارد و ۲۱۲ میلیون دلار بالغ شد. ریسک بالای کشور تحت تاثیر تحریم‌ها و بحران‌های منطقه و همچنین مشکلات ساختاری بخش‌های تولیدی کشور و مضاف بر آن ناپایداری و غیرشفاف بودن قوانین و مقررات کشور در حوزه سرمایه‌گذاری، از دلایل اصلی این رویکرد به شمار می‌روند.

سخن آخر

چنانکه اشاره گردید حجم پایه پولی عمدتاً تحت تاثیر عملیات مالی دولت و روند آن، با توجه به اتکای بودجه دولت به درآمدهای نفتی و سازوکار تامین مالی کسری ریالی بودجه، رت، فزاینده و ادامه‌دار است. تحت این شرایط کنترل نقدینگی امری مشکل است و سیاست‌گذار پولی راه، که دارای محدودیت‌ها و عدم استقلال ابزاری است، با چالش‌های اساسی مواجه می‌کند. تبدیل مستمر درآمدهای نفتی به ریال و تامین کسری بودجه از محل حساب ذخیره ارزی، که رشد فزاینده دارایی‌های خارجی بانک مرکزی را در پی دارد، از عمده‌ترین عوامل افزایش و انبساط پولی به شمار

میلیارد دلار مازاد برخوردار شد. ارزش صادرات غیرنفتی در مقایسه با مدت مشابه سال ۱۳۸۴ با ۹۵/۷ درصد افزایش به ۶۷۳ میلیارد دلار بالغ گردید و واردات کل کشور طی همین دوره با ۲۹/۵ درصد رشد به ۲۰۳ میلیارد دلار رسید.

در دوره مورد بررسی، تراز خدمات کماکان منفی و با کسری معادل ۲/۸ میلیارد دلار مواجه بود. کسری مزبور، همراه با تراز مثبت ۵۴۶ میلیون دلار انتقالات، مازاد حساب جاری ترازپرداخت‌ها را به ۸/۸ میلیارد دلار محدود کرد. بررسی ترکیب مازاد حساب جاری حاکی از این است که مازاد مورد اشاره، عمدتاً به لطف درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز است. در صورتی که اثر منابع طبیعی (نفت و گاز) از تراز بازرگانی کشور حذف شود، این تراز با ۱۶/۲ میلیارد دلار کسری مواجه خواهد شد. بررسی روند تراز تجاری غیرنفتی کشور طی سال‌های ۸۴-۱۳۷۸ نشان می‌دهد کسری تراز مزبور از حدود ۹/۵ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۸ به ۲۹/۸ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۴ افزایش یافت. عملکرد مذکور حاکی از ناکارآمدی سیاست‌های تجاری-ارزی و فضای غیررقابتی حاکم بر بنگاه‌های تولیدی داخلی در بخش غیرنفتی است.

آمار ترکیب صادرات غیرنفتی کشور بر حسب گروه‌های کالایی نشان می‌دهد کالاهای صنعتی با ۶۵/۶ درصد افزایش صادرات، سهم چشمگیری در رشد ۵۲/۳ درصدی صادرات غیرنفتی طی سال ۱۳۸۴ داشته‌اند. در میان اقلام این گروه، صادرات مواد شیمیایی و پتروشیمی حدود ۳۵/۲ درصد از

میلیارد ریال کسری داشت.

سهم و نقش بالای دولت در اقتصاد و اتکای بودجه به درآمد نفت از جمله عوامل محدود کننده حضور بخش خصوصی و از موانع رشد اقتصادی به شمار می‌رود. کل مخارج بودجه‌ای دولت بیش از ۸۰ درصد تولید ناخالص داخلی است. انحصار دولت در بخش واقعی اقتصاد (نفت، صنعت و ساختمان) و همچنین بخش مالی-سهم بالای بانک‌های دولتی در بازار مالی-ضمن انحراف در تخصیص بهینه منابع، موجب تشدید فضای تورمی و مآلاً نااطمینانی و افزایش ریسک فعالیت‌های بخش خصوصی می‌شود. این رویکرد سبب می‌شود رشد GDP کمتر از سطح هدف‌گذاری شده آن در برنامه‌های توسعه باشد.

تحولات بخش خارجی

تراز پرداخت‌های خارجی کشور، که مبادلات اقتصادی ایران با جهان اعم از مبادلات انجام شده بر روی کالاهای، خدمات، درآمد، انتقالات و مبادلات سرمایه‌ای و مالی را در بر می‌گیرد، متأثر از جریان‌های اقتصادی، همچون بازار جهانی نفت خام، آزادسازی‌های تجاری و مالی و ضوابط و مقررات حاکم بر عرصه تجارت خارجی است. در پنج‌ماهه سال ۱۳۸۵ (آخرین آمار در دسترس در سایت بانک مرکزی) با توجه به تحولات مثبت بازار جهانی نفت و تسهیلات و مشوق‌های گوناگون برای تسهیل تجارت خارجی، تراز بازرگانی کشور با احتساب صادرات بخش نفت و گاز از ۱۱/۰

شرکت‌های سرمایه‌گذاری، برنامه تامین مالی مناسبی را پیگیری کنند. این رویکرد، ضمن کاهش فشار بر بانک‌ها، امکان بیشتری برای تامین مالی بنگاه‌های بخش خصوصی و سایر بخش‌های اقتصادی کشور از طریق بانک‌ها فراهم می‌سازد. همچنین ضرورت دارد به منظور ایجاد تنوع در ابزارهای تامین مالی بنگاه‌های اقتصادی، استفاده از سایر ابزارهای مالی مرسوم در کشورهای اسلامی مانند انتشار اوراق استصناع و اوراق صکوک مورد بررسی قرار گیرد ابزارهای مذکور در سطح گسترده‌ای جهت تامین مالی بنگاه‌های تولیدی و صنعتی در برخی کشورهای اسلامی بکار گرفته می‌شود، در صورتی که این ابزار از نظر مراجع ذیصلاح (شورای نگهبان) مورد تایید قرار گیرد با تدوین مقررات اجرایی آن توسط شورای پول و اعتبار بستر مناسبی برای تامین مالی بنگاه‌های صنعتی فراهم خواهد شد. توسعه و تمهيق بازار مالی کشور و روی آوردن بنگاه‌های بزرگ به تامین مالی از بازار سرمایه و تلاش در جهت افزایش بهره‌وری عوامل تولید از ضرورت‌های امروز اقتصاد ایران و حصول به رشد‌های بالاتر اقتصادی است. ●

*رئیس دایره صنعت و ساختمان اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

منابع و ماخذ:

- 1- گزیده آمارهای اقتصادی سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵، سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (www.cbi.ir)
 - 2- نماگرهای اقتصادی شماره ۴۶، سه‌ماهه سوم سال ۱۳۸۵، سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (www.cbi.ir)
 - 3- حساب‌های ملی ایران، اداره حساب‌های اقتصادی، سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (www.cbi.ir)
 - 4- بانک اطلاعات سری‌های زمانی اقتصادی اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، (<http://tsd.cbi.net>)
 - 5- گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران سال‌های مختلف و خلاصه تحولات اقتصادی کشور سال ۱۳۸۴.
 - 6- گزارشات آماری اداره آمار اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (دوره‌های مختلف)
- 7- Gold 2006 London Pm Fix- USD, www.kitco.com
8- International financial Statistics (IFS), IMF, (<http://IMF.org>)

پی‌نوشت‌ها:

- 1- Total Factor Productivity.
- 2- Incremental Capital- Output Ratio.
- 3- Domestic Resource Cost.

متناسب با دوره بهره‌برداری و درآمدزایی طرح باشد (با سررسیدهای طولانی‌مدت).

۷- قرار گرفتن این اوراق در پرتفوی موسسات عام‌المنفعه و همچنین صندوق‌های بازنشستگی به نحوی که استفاده از کوبن‌های این اوراق، درآمد مستمر بلندمدتی را برای آنها فراهم کند.

۸- امکان سرمایه‌گذاری حساب ذخیره ارزی در طرح‌های با بازدهی بالاتر از طریق افزایش سهم بخش خصوصی و در نتیجه درآمدزایی OSF و ماندگاری آن برای نسل آینده.

بیش از ۶۰ درصد مخارج دولت از دریافت‌های ناشی از درآمد نفت تامین مالی می‌شود و سهم مالیات‌ها به زحمت به ۳۰ درصد می‌رسد

۹- تسریع در خصوصی‌سازی بنگاه‌های اقتصادی وابسته به دولت با توجه به هزینه تامین مالی آنها. کوتاه سخن آنکه دولت برای کاهش وابستگی خود به درآمد نفت و ارزیابی دقیق‌تر از عملکرد خود، لازم است مقدماً خود را در استفاده از درآمدهای نفتی محدود کند. این محدودیت را می‌توان در قالب یک جدول زمانی ۱۰ ساله تعریف کرد. بدین ترتیب که دولت متعهد شود با انضباط مالی از طریق افزایش درآمدهای حاصل از مالیات، انتشار اوراق خزانه‌داری و کاهش مخارج سالانه خود، از درآمدهای حاصل از نفت در بودجه سالانه خود به میزان ۱۰ درصد بکاهد و به این طریق اتکای بودجه به درآمدهای نفتی را کاهش دهد. این رویکرد ضمن کاهش اندازه دولت، امکان کنترل بیشتر رشد نقدینگی حاصل از پایه پولی را برای سیاستگذار پولی فراهم می‌سازد.

درخصوص تامین مالی بنگاه‌های وابسته به دولت لازم است، ضمن پیگیری و تسریع در اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، این بنگاه‌ها برای تامین مالی بلندمدت خود با استفاده از امکانات بازار سرمایه (انتشار اوراق مشارکت و سهام عادی و ممتاز)، فاینانس و مشارکت با سرمایه‌گذاران خارجی، برون‌سپاری فعالیت‌ها، اتخاذ رویکرد صادراتی و استفاده از تسهیلات مؤسسات مالی و

می‌رود.

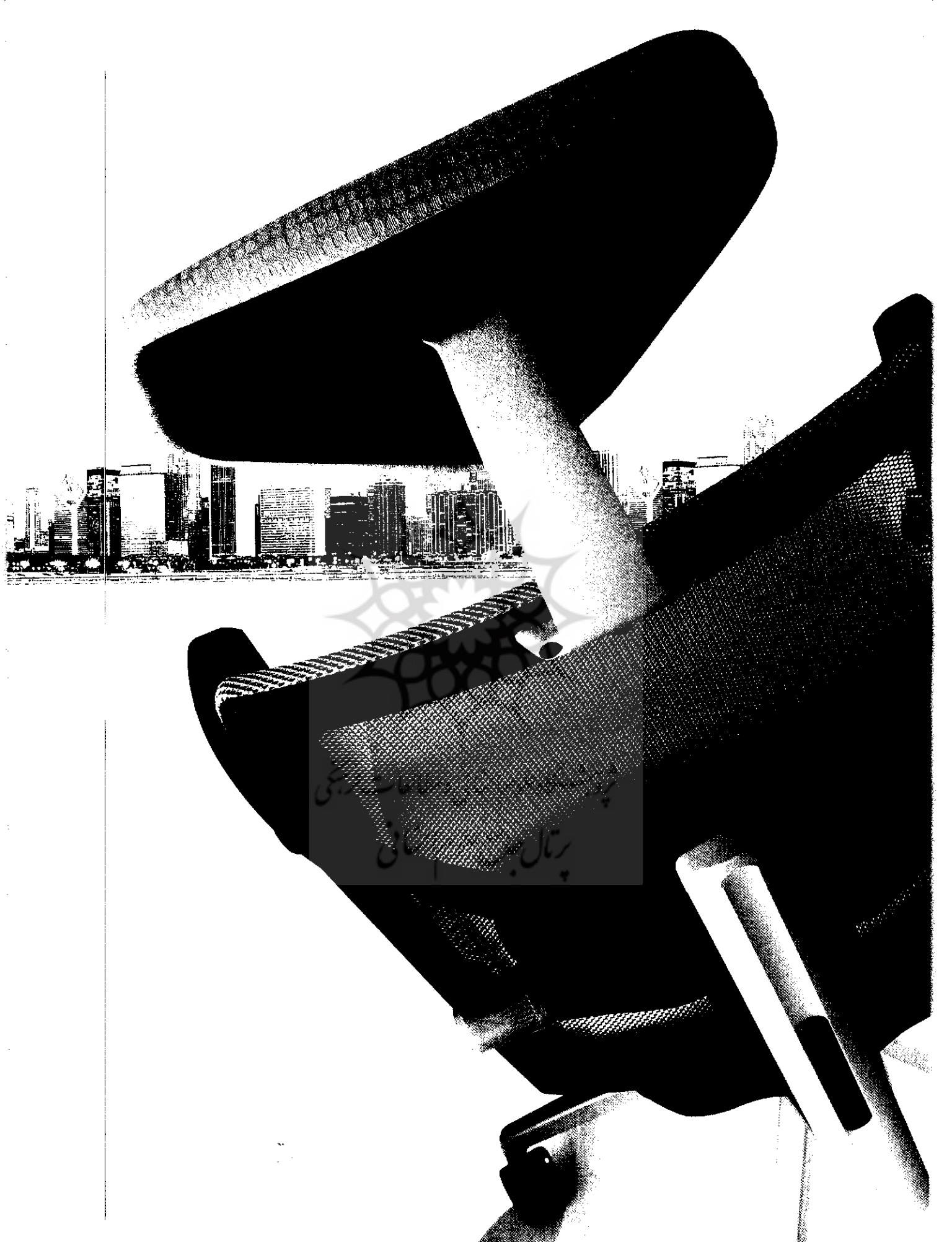
برای توقف این روند ضرورت دارد دولت رویکرد دیگری درخصوص تامین مالی مخارج بودجه‌ای خود اتخاذ کند. بیش از ۶۰ درصد مخارج دولت از دریافت‌های ناشی از درآمد نفت تامین مالی می‌شود و سهم مالیات‌ها به زحمت به ۳۰ درصد می‌رسد. انتظار نمی‌رود، حداقل در کوتاه‌مدت، با توجه به تنگنای بخش واقعی و عدم تعادل در تجارت داخلی (بدون احتساب نفت) و همچنین نارسایی‌های نظام مالیاتی کشور، این سهم به طور چشمگیری قابل افزایش باشد. بنابراین، اگر حداکثر سهم ۴۰ درصدی را برای این بخش از درآمدهای دولت منظور کنیم باید برای تامین مالی ۶۰ درصد مابقی چاره‌های دیگر اندیشیده شود.

تجارب سایر کشورها در این موارد استقرض دولت از مردم در قالب انتشار اوراق بهادار خزانه‌داری است. به نظر می‌رسد استفاده از ابزار مذکور در چارچوب قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت، فرصت مناسبی برای خروج از دور باطل افزایش پایه پولی و نقدینگی و کاهش قدرت خرید دولت، به تبع آن، باشد. دولت می‌تواند اوراق موردنظر را با توجه به نوع هزینه‌های خود با سررسیدهای مختلف و نرخ‌های منعطف سود (علی‌الحساب) برای تامین مالی کسری بودجه منتشر کند. همچنین بانک مرکزی در قالب عملیات بازار باز می‌تواند با خرید و فروش این اوراق ضمن کسب سود، نقدینگی را کنترل نماید. این اوراق با کارکردهای زیر می‌تواند گزینه مناسبی در جهت کاهش اتکای بودجه به درآمدهای نفت باشد:

- ۱- انتشار این اوراق توسط خزانه‌داری با هدف تامین مالی کسری بودجه به عنوان جایگزین برداشت از حساب ذخیره ارزی.
- ۲- ارائه شاخصی مناسب برای امکان ارزیابی هزینه تامین مالی مخارج و عملکرد دولت.
- ۳- گسترش بازار مالی از طریق خرید و فروش این اوراق در بورس اوراق بهادار.
- ۴- جایگزینی اوراق مشارکت بانک مرکزی با این اوراق در بلندمدت با توجه به هزینه بالای اوراق مشارکت برای سیاستگذار پولی.

۵- محدود کردن انتقال بدهی‌های ناشی از «هزینه‌های جاری» هر دولت به دولت بعدی با محدود کردن سررسید این اوراق به پایان دوران عمر دولت‌ها.

۶- فراهم ساختن امکان تامین مالی بلندمدت برای طرح‌های عمرانی، به نحوی که سررسید اوراق





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



Relax at work

Tel: 88337016-8
Fax: 88632930
Email: sales@vdo.ir
<http://www.vdo.ir>



VDO ارائه دهنده مبلمان اداری روز دنیا

نماینده انحصاری **Bene!** و **MERRYFAIR** OFFICE SEATING

نمایشگاه: تهران - میدان فاطمی - ضلع شمال غربی میدان گنجا - ساختمان ویدا - طبقه همکف - واحد یک